چه کنیم که مردم در انتخابات مشارکت بیشتری داشته باشند؟

گفت‌وگو با نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه پاسداران در گفت‌وگوی اختصاصی با هفته نامه افق حوزه ضمن تبیین«تفاوت مردم‌سالاری دینی با دموکراسی غربی» به چرایی«اهمیت مشارکت مردم در انتخابات امسال» پرداخت که حاصل این گفت و گو در متن پیش رو تقدیم می گردد.

• خدایی‌ترین حکومت، مردمی‌ترین حکومت است

به نظر من این تعبیری که می‌کنند و می‌گویند: امام آمد و اسلام را با جمهوریت آشتی داد، کاملاً اشتباه است. امام اسلام ناب را زنده کرد. در اسلام ناب، مردم و جمهوریت هست. امام چیزی به اسلام اضافه نکرد. خود این، یک نوع لغزش است که امام اسلام را آشتی داد؛ یعنی اسلام قهر بود؟ نه امام اسلام ناب را زنده کرد. این یک اصل است که به این توجه کنیم؛ لذا ما در جایی که ارکان حکومت دینی را می‌شمریم، یک رکن اساسی آن، مردم هستند؛ ولیّ خدا هرکسی که باشد، عرض کردم: از امیرالمؤمنین و امام صادق علیهما‌السلام که بالاتر نیست. تا زمانی که مردم نباشند، تعبیر امیرالمؤمنین علیه‌السلام این می‌شود: «ولکن لا رأی لمن لا یطاع»؛ یعنی امیرالمؤمنین علیه‌السلام هم اگر مردم را نداشته باشد، نمی‌تواند حکومت کند. امام صادق علیه‌السلام ۴۰۰۰ شاگرد داشت؛ اما ۱۷ مجاهد ولایت‌مداری که برای امام صادق علیه‌السلام خودشان را سپر قرار دهند، نداشت. این روایت خود ایشان است که فرمود: اگر به‌تعداد این گوسفندان یاور داشتم، قیام می‌کردم. امروز اگر بخواهیم بیان کنیم، ۱۷ تا بسیجی مثل حاج قاسم نداشت. بله، شیعه بودند، علاقه‌مند بودند؛ اما این‌ها نبودند. ما باید بپذیریم که این، یک اصل قرآنی است و شاید غیر از شما هم کسی نتواند، این را از نظر دینی به‌خوبی تبیین کند. شما به‌عنوان رسانه حوزه، باید بیان کنید که این حرف تئوکراسی یا دموکراسی؟ مربوط به غرب است؛ خدایی یا مردمی؟ در اسلام، خدایی‌ترین حکومت، مردمی‌ترین حکومت است و تنها راه مردمی بودن هم، الهی بودن است. تجربه هم این را ثابت کرده است. در زمانی که مارکس و لنین و کمونیست‌ها در شرق فعال بودند، یکی از دوستان ما، یک مقاله نوشت. این مربوط به قبل از انقلاب و دوران دبیرستان ماست. خیلی زیبا و دکلمه‌وار بود. الآن به یاد ندارم؛ مثلاً یک جمله او این بود: آیا خانه گِلی علی علیه‌السلام نشانه حمایت از محرومین است یا کاخ کرملین؟ آیا سفره نان جوی علی علیه‌السلام همدردی با نیازمندان است یا سفره مارکس و لنین؟ خیلی زیبا بود.

کسی فکر نکند که اگر ما از الهی بودن حکومت می‌گوییم، این نفی مردم است. نه، باور ما این است که هیچ حکومتی بیشتر از حکومت خدا، مردمی‌تر نمی‌شود؛ چون خدا که از حکومت هدفی برای خودش ندارد.

یک لطیفه‌ای هم از این آیه ولایت استفاده کردم؛ چون از بعضی از بزرگان مفسران خوب‌مان –خدا رحمت‌شان کند– تأییدیه گرفته‌ام، می‌گویم و آن هم این است که وقتی خدا می‌خواهد، علی علیه‌السلام را ولیّ مؤمنین معرفی کند، چرا در بین ویژگی‌های امیرالمؤمنین علیه‌السلام، کارهای بزرگ‌تر ایشان را نمی‌گوید؟ او لیلة‌المبیت را داشت، خندق و خیبر را داشت.

• تفاوت مردم‌سالاری دینی با دموکراسی غربی

همچنان که مردم در نظام اسلامی نقش دارند، دموکراسی هم نقش دارد. تفاوت مردم‌سالاری دینی با دموکراسی غربی چیست؟ این هم خیلی زیباست. خود غربی‌ها الآن می‌گویند، اگر راست بگویند، اگر سرمایه‌داری، دموکراسی را اداره نکند، اگر احزاب، دموکراسی را اداره نکنند و واقعاً مردم باشند، مردم در کجا نقش دارند؟ فقط در رأی دادن. به‌قول خیلی از غربی‌ها که نوشته‌اند: مردم وقتی رأی دادند، تا ۴ سال برده هستند. تا ۴ سال باید چشم بگویند؛ چون خودشان انتخاب کرده‌اند. اسلام برای مردم سه مرحله نقش قائل است که یکی انتخاب است. دومین مورد هم، مشارکت است؛ یعنی حکومت دینی هم، بدون کمک مردم به هیچ جا نمی‌رسد. عامل قدرت در نظام اسلامی مردم هستند و ما این را در این ۴۵ ساله، در تمام صحنه‌ها دیده‌ایم. حتی نیروهای مسلحی که ادعا داریم، در خط مقدم انقلاب هستند، بدون مردم نمی‌توانند، این انقلاب را حفظ کنند. تعبیر من این است که اسلام، موتور حرکت انقلاب بود و رهبری راننده بود که از صراط مستقیم خارج نشود و مردم سوخت‌رسان آن بودند. اگر انقلاب حرکت دارد، زنده است و جلو می‌رود، به‌برکت این سوخت‌رسانی مردم است. مردم هستند که می‌توانند هم به رهبری و هم به حاکمیت و اسلام، ضمانت اجرا بدهند. اصلاً ترجمه دموکراسی، مردم‌سالاری نیست. مردم‌سالاری که ما می‌گوییم، خیلی تفاوت دارد. حالا تازه این مردم‌سالاری یک بُعد دیگری هم دارد که آیت‌الله مطهری رحمه‌الله قبل از انقلاب به آن پرداخت و آن این‌که در نظام مردم‌سالاری، حکومت بر مردم نیست؛ حکومت برای مردم است. ایشان در سیری در نهج‌البلاغه می‌گوید: این نیست که مردم برای حکومت باشند؛ بلکه حکومت برای مردم و در خدمت مردم است. این هم، یک سرفصل است که به نظرم می‌رسد، در آن بحث مبنایی باید حل کنیم.

• رمز موفقیت امام توکل به خدا و اعتماد به مردم بود

یکی از افتخارات انقلاب اسلامی ما همین است که با وجود آن بُعد الهی، همیشه – اصلاً رمز موفقیت امام به نظرم همین است– به‌همان میزانی که به خدا توکل دارد، به مردم اعتماد، تکیه و باور دارد؛ همان چیزی که امروز می‌بینیم، رهبر عزیزمان روی آن تأکید می‌کنند. خاطرات فراوانی در این جهت به نظرم می‌رسد؛ مثلاً حجت‌الاسلام والمسلمین حمید روحانی، خاطره‌ای را از ملاقات حضرت امام رحمه‌الله با آیت‌الله‌العظمی حکیم رحمه‌الله نقل می‌کند که در زمانی که امام تبعید شدند، بعد از آیت‌الله‌العظمی بروجردی رحمه‌الله، مرجع علی‌الاطلاق بیشتر آیت‌الله حکیم بود. حجت‌الاسلام والمسلمین حمید روحانی نوشته که ایشان خدمت آیت‌الله حکیم رفت و گفت: آقای حکیم! شاه این کار را می‌کند، کشورهای مختلف این کارها را می‌کنند، نیاز است که حرکتی کنیم. جواب آیت‌الله حکیم این بود: مردم همراهی نمی‌کنند. همان‌طور که در زمان اهل‌بیت علیهم‌السلام مردم همراهی نمی‌کردند و لذا ائمه علیهم‌السلام معذور بودند، ما هم معذور هستیم؛ چون مردم پشتوانه نیستند. شعار می‌دهند؛ اما وقتی پای میدان پیش آید، دیگر نیستند. حالا تعبیر من این است: من و تو که از امام حسین علیه‌السلام بالاتر نیستیم. این همه شعار دادند: «ما همه سرباز توئیم حسین علیه‌السلام جان! گوش به فرمان توئیم حسین علیه‌السلام جان!». امام حسین علیه‌السلام رفت و سرش را بریدند، بچه‌های ایشان را هم کشتند. حجت‌الاسلام والمسلمین حمید روحانی نوشته: امام می‌فرمایند: آقا! مردم امروز مثل آن مردم نیستند، مردم می‌آیند. آقای حکیم گفت: نخیر حاج‌آقا روح‌الله! این جمله برای من جالب است. می‌گوید: حضرت امام رو به آیت‌الله حکیم کرد و گفت: شما رهبری را بپذیرید، مردم با من. این خیلی حرف بزرگی است. گفتند: مردم با من، من مردم را می‌آورم. این مربوط به چه زمانی است؟ همان زمانی است که امام را در قم گرفته‌اند و با ماشین به ترکیه برده‌اند و در ترکیه هم نتوانستند، نگه دارند و به نجف بردند. خبر دارید که در نجف هم چه استقبال بدی از ایشان شد. یک هفته امام به کربلا و کجا برود. در آن وضعیت این چه اعتماد و باوری است که به مردم دارد. اصلاً ما باورمان نمی‌آمد که جملاتی که امام می‌گوید، این‌ها شعار نیست. امام فرمودند: سربازان من، بچه‌های در قنداق هستند. ما می‌گفتیم: امام می‌خواهد شاه را اذیت کند. بعد دیدیم که همان شد. همان بچه قنداقی‌ها در جبهه شهید شدند؛ همان کسانی که امام گفته بود. یا مثلاً در پذیرش قطعنامه به دنیا فرمود: ما سنگرهای کلیدی جهان را یکی پس از دیگری فتح می‌کنیم. وقتی امام این جمله را گفت، به امام خندیدند و گفتند: تو همین صدام را حل کن، نیازی نیست، سنگرهای کلیدی جهان را فتح کنی.

امروز امام قلب‌هایی را در دنیا تسخیر کرده است که از قلب‌های بچه‌های ما بیشتر تسخیر شده‌اند. من رفته‌ام و دیده‌ام. من پیوندی که بین بچه‌های حزب‌الله، یمن و عراق با انقلاب اسلامی و فرهنگ امام و رهبری دیدم، من را وادار کرد که آمدم و برای بچه‌های سپاه و بسیج این آیه را خواندم. گفتم: تا دیروز این آیه سوره مائده را می‌خواندیم و می‌گفتیم که مصداق آن فارس و بچه‌های آن است. ﴿مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ﴾[1] می‌گفتیم: خدا به عرب‌ها می‌گوید که اگر شما خراب کردید، من این‌ها را دارم. امروز خدا این را به ما می‌گوید که اگر شما ایرانی‌ها دیر بجنبید، من یمنی‌ها را دارم.

• اهمیت مشارکت مردم در انتخابات امسال

درست است که ما نارضایتی‌ها داریم، گلایه داریم، دفاع مطلق هم، از مسئولان و مدیران‌مان نداریم. ما غیر از ولایت که چون تجلی توحید ربوبی است، از هیچ‌کسی دفاع مطلق نداریم؛ اما این را باور داریم که انتخابات امسال مانند میدان جنگ است؛ حتی اگر موفقیتی هم، برای رفع آن مشکلات بخواهیم انجام دهیم، بهترین راه این است که مردم به میدان بیایند و نقش‌آفرینی کنند. مردم بیایند و به نظام، اقتدار و قدرت دهند. یک رئیس‌جمهور اگر بخواهد موفق شود، به یک عقبه اقتدار مردمی نیاز دارد. تجلی اقتدار مردمی در انتخابات است.

به‌قول آیت‌الله مصباح رحمه‌الله که می‌گفت: نوع رهبری ایشان، یک معجزه الهی است. من این‌طور می‌گویم: خدا به‌خاطر عنایتی که به این امت دارد، این رهبر را اداره می‌کند: ﴿وَالَّذِينَ جاهَدُوا فِينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا﴾.[2]

• حضور حداکثری مشارکت مردم در انتخابات

چه کنیم که مردم مشارکت داشته باشند؟ یک محور بصیرت دادن است. نگذاریم، مردم را فریب دهند، نگذاریم مردم را مأیوس کنند و بگویند که فایده‌ای ندارد. من گاهی یک مثال‌هایی برای دوستان خودمان می‌زنم. بعد از فتنه ۱۴۰۱، روحیه‌های ما خیلی ریخته شده بود و خیلی هم نگران بودیم. رفتم و گفتم: بزرگ‌ترین شکستی که مسلمانان در صدر اسلام خوردند، در کدام جنگ بود؟ جنگ احد. در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله سخت‌ترین شکست را خوردیم. بعد از این شکست، خدا یک آیه در سوره آل‌عمران دارد و با لطافت می‌گوید: خب خلاف کردید، شکست خوردید و بعد هم خدا می‌بخشد. تمام شد؛ اما ۸–۷ آیه دیگر دارد که ۴–۳ تا پشت سر هم از آیه ۱۳۹ سوره آل‌عمران به بعد است: شکست خوردید که خوردید، چرا روحیه‌تان را باختید؟ چرا گرفتار تردید شدید؟ شکست مهم نیست: ﴿وَلا تَهِنُوا وَلا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾؛[3] اگر نگرانی دارید، از ایمان خودتان باشد؛ نه از قدرت دشمن. ما باید این را ببینیم، به مردم‌مان بگوییم که دشمن هیچ کاری نمی‌تواند بکند؛ اما سستی، ناامیدی و تردید، ما را می‌شکند. خدا به ما می‌گوید: نسبت به آینده دلواپس باشید و نباشید. از دشمن دلواپس نباشید؛ اما از خودتان دلواپس باشید. ﴿إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾. در ادامه می‌فرماید: ﴿إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِثْلُهُ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ نُداوِلُها بَيْنَ النَّاسِ﴾.[4] این خیلی لطیف است. این کار رسانه حوزه است. ﴿تِلْكَ الْأَيَّامُ نُداوِلُها بَيْنَ النَّاسِ﴾. چرا؟ چهار دلیل می‌شمرد: ۱. امتحان مؤمنین که مؤمنین امتحان شوند که چه کسانی می‌مانند و چه کسانی نمی‌مانند. ۲. «وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَداءَ»؛ دیدم که بعضی آقایان مفسران زیبا نوشته بودند. در اینجا شهداء به‌معنای گواهان نیست: ﴿يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَداءَ﴾؛ یعنی خدا فرصت فراهم می‌کند که یک عده از انسان‌ها را به مقام شهید شدن برساند. سومی و چهارمی مهم‌تر است و ما امروز به این‌ها نیاز داریم. ﴿وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا﴾؛[5] مؤمنین باید آبدیده شوند. ما در فشارها و سختی‌ها قدرت پیدا کردیم ﴿وَيَمْحَقَ الْكافِرِينَ﴾؛ شما به ما، محق را به‌عنوان مرگ تدریجی یاد داده‌اید.

• پی‌نوشت‌ها

۱. مائده، ۵۴؛ ۲. عنکبوت، ۶۹؛ ۳. آل‌عمران، ۱۳۹؛ ۴. همان، ۱۴۰. ۵. همان، ۱۴۱.

ممیزه‌های بنیادی مردم‌سالاری دینی در ایران با لیبرال دموکراسی

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین کوهساری مسئول مرکز ارتباطات و بین‌الملل حوزه های علمیه

بخش دوم و پایانی

... ادامه از شماره قبل

▪ یکی از ابعاد بین‌المللی انتخابات، حضور و مشارکت ایرانیان خارج از کشور است. حضرت‌عالی حضور ایرانیان خارج از کشور در انتخابات را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

• در خلال این سال‌ها یکی از افتخارات ما این بوده که ایرانیان خارج از کشور، به‌عنوان جزئی از ملت ما که در خارج از کشور هستند، همواره مشارکت‌های خوبی در انتخابات داشته‌اند. اگرچه فکر می‌کنیم، این بخش می‌تواند تقویت شود و ما نیازمند یک نگاه مجدد به ایرانیان خارج از کشور هستیم و نباید تلقی کنیم که اکنون‌که این‌ها به خارج از کشور رفته‌اند، دیگر از مخاطبان ما نیستند؛ بلکه ایشان بخشی از پیکر ملی ما هستند و نگاهی که به این‌ها وجود دارد، نباید نگاه تهدیدمحور باشد؛ بلکه باید نگاه ما فرصت‌محور باشد و آنان را به‌عنوان یک ظرفیت برای کشور بدانیم که در خارج از مرزهای ما قرار دارند.

لازم است در اینجا عرض کنم که در حوزه علمیه با همین رویکرد، یک پرونده ویژه‌ای برای مباحث دینی و اندیشه‌ای ایرانیان خارج از کشور شکل‌گرفته، برای اینکه سؤالات و دغدغه‌های فکری، معرفتی و اندیشه‌ای ایرانیان و مسائل فرهنگی و تربیتی آن‌ها، مورد توجه قرار بگیرد و برنامه‌هایی هم، در این زمینه‌ها طراحی شده که در این زمینه، حوزه یک سری نقش‌های مستقیمی را خودش بر عهده دارد و یک سری نقش‌ها هم، نقش‌های ستادی است که سعی می‌کنند، از ظرفیت نهادهای دیگر استفاده و آن‌ها را فعال کنند تا اینکه سهم خودشان را نسبت به ایرانیان خارج از کشور ادا کنند.

واقعیت ماجرا این است که ما به این ظرفیت و به این جامعه، آن نگاه و عملکرد لازم را نداشته‌ایم و باید بخشی از آن جبران شود. الحمدلله جریان خوبی هم در این زمینه شکل گرفته است. اگرچه عزیزان ایرانی ما در خارج از کشور، خودشان در کشورهای دیگر، هرکس به‌اقتضای کشور خودش، نسبت به مباحث دینی و مباحث فرهنگی ما، این‌طور نبوده که منتظر نهادها و دستگاه‌های جمهوری اسلامی باشند و الحمدلله خودشان در خلال این سال‌ها، در مناسبت‌های مذهبی مانند محرم و رمضان فعالیت‌های چشمگیری داشته‌اند و در قالب حسینیه‌ها، هیئت‌ها، مساجد و مجامع دینی فعال بوده‌اند؛ اگرچه نیاز و مطالبه‌ای که وجود دارد، این روزها، بیش از چیزی است که عرضه شده و در هر صورت، این بُعد مربوط به انتخابات هم، بُعد مهمی است و نیازمند این است که مسئولان ما هم نسبت به این جامعه، نگاه مجدانه‌ای داشته باشند.

پیوستِ رسانه‌ای بین‌المللیِ انتخابات

نکته بعدی هم که در اینجا قابل‌ذکر است، پیوستِ رسانه‌ای بین‌المللیِ انتخابات است. ما نیازمند یک پیوستِ بین‌المللیِ انتخابات هستیم. ما با یک مجموعه‌ای از مسائل مواجه هستیم که بخشی از این مسائل، پاسخگویی به شبهاتی است که در ذهن مخاطبان ما شکل گرفته است؛ بعضی از این‌ها مستقیماً با موضوع انتخابات مواجه است و بخشی هم، ارتباط غیرمستقیمی دارد؛ ولی به‌مناسبت انتخابات، این شبهات مجدداً مطرح می‌شود.

امروزه در شبکه‌ها و رسانه‌های خارجی و وابسته به رسانه‌های غربی، به‌مناسبت انتخابات، انواع و اقسام شبهات یا ایجاد می‌شود و یا بازطرح می‌شود و این نیازمند یک برنامه جدی از طرف ماست که ما هم این شبهات را رصد کنیم و پاسخ‌های متناسب با آن‌ها بدهیم؛ لذا مسئله انتخابات، در عرصه بین‌الملل، هم یک پیوست علمی و معرفتی و هم پیوست رسانه‌ای دارد. حتماً باید گروه‌هایی از خود حوزه‌های علمیه و از شخصیت‌ها و نخبگان ما، در شناسایی این تولید محتوا و ارائه محصولات رسانه‌ای مناسب اقدام کنند و این یک پیوست سیاسی بین‌المللی نیاز دارد.

مقوله انتخابات جزء مقولاتی است که از منظر دیپلماسی فرهنگی و دیپلماسی عمومی، از موضوعات جدی دنیاست و نیازمند فعال شدن همه سفارتخانه‌های ماست. سفارتخانه‌های ما نباید تصور کنند که در ایام انتخابات فقط وظیفه آن‌ها این است که صندوق رأی را در سفارتخانه قرار بدهند و مردم بیایند آنجا و رأی بدهند، نه؛ ما نیازمند این هستیم که به‌مناسبت انتخابات، یک سلسله از جلسات و رایزنی‌ها انجام شود تا این حجم از شبهات و دغدغه‌هایی که در مجامع بین‌المللی ما و نخبگان کشورهای مختلف وجود دارد، رفع شود؛ لذا حتماً ما در وزارت خارجه، باید همزمان با انتخابات، یک تحرک جدی‌تر در نهادهای فرهنگیِ بین‌المللی ایجاد کنیم.

پیوند انتخابات با مسئله غزه

یک موضوع دیگری که امسال به‌طور خاص مطرح است و به نظر من در ابعاد بین‌المللی است، پیوند انتخابات ما با مسئله غزه و مسئله طوفان‌الاقصی است. از این منظر که آن راهبردی که جمهوری اسلامی نسبت به مسئله فلسطین مطرح می‌کند، راهبردی کاملاً دموکراتیک و مقبول با معیارهای بین‌المللی است. آن‌چیزی که جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌کند، این است که همه فلسطینی‌های داخل کشور و یا فلسطینی‌های آواره، اعم از مسلمان و مسیحی و یهودی و همه کسانی که فلسطینی به‌شمار می‌روند، همه این‌ها حتی آنهایی که خارج از کشور هستند، برگردند و یک انتخابات آزاد برگزار شود و خود مردم فلسطین، نسبت به آینده فلسطین تصمیم‌گیری کنند؛ لذا همزمان با فضای انتخابات داخل کشور، این گفتمان دموکراتیک و گفتمان ناظر به مردم‌سالاری مردم فلسطین هم، باید مجدداً مطرح شود. به نظرم این دیدگاه جمهوری اسلامی منطقی است که هنوز خوب تبیین نشده و می‌شود همزمان با این مباحث داخل کشور، این را هم مطرح کرد که نه‌تنها ما در داخل کشور، به مردم‌سالاری و قواعد مردم‌سالاری پایبند هستیم؛ بلکه در عرصه بین‌الملل هم به آن پایبند هستیم.

فراتر از مسئله فلسطین، ما امروزه این نظر را به همه طرفداران و هواداران انقلاب اسلامی، مطرح کردیم و این منطق جمهوری اسلامی است که هر کسی در هر کشوری که دارد زندگی می‌کند، باید به قواعد مردم‌سالاری آن کشور و به قوانین آن کشور احترام بگذارد و لذا طرفداران جمهوری اسلامی در کشورهای مختلف، جزء ملتزمین به قوانین و مقررات در آن کشور هستند و اساساً شیعیان و مسلمانان و هواداران انقلاب اسلامی را تشویق می‌کنیم که در سرنوشت خودشان در کشور خودشان با استفاده از چارچوب‌ها و ضوابط و مقررات قانونی همان کشور، فعالانه شرکت کنند. حتی ما در خلال این سال‌های بعد از انقلاب، با برخی کشورها مشکلات سیاسی هم داشتیم و هیچ‌گاه ما حامی این نبودیم که مثلاً مسلمانان و شیعیان، انتخابات آن کشور را تحریم کنند، نه؛ بلکه می‌گفتیم: شما به‌عنوان عضوی از آن جامعه، طبق قواعد آن جامعه، باید حضور داشته باشید؛ لذا این نگاه انقلاب اسلامی به مردم و مردم‌سالاری و انتخابات، یک نگاه بنیادین و مبنایی بوده که هم در داخل کشور تلاش شده این نگاه محقق شود و هم در عرصه بین‌الملل، تلاشی که از طرف جمهوری اسلامی صورت گرفته، این بوده که به‌همین منطق در عرصه بین‌الملل هم احترام گذاشته شود و هر کشوری که با انتخابات مردمی، مردمش آمده‌اند و یک دولتی را سر کار آورده‌اند، جمهوری اسلامی به آن‌ها احترام گذاشته و از طرف دیگر، کشورهایی که به این منطق پایبند نبوده‌اند و بدون چارچوب‌های دموکراتیک و انتخابات، تعاملاتی در آن‌ها صورت گرفته، جمهوری اسلامی همیشه تلاش کرده که آن کشورها را هم، به سمت یک منطق مردمی سوق بدهد و در مذاکراتی که با آن کشورها داشته، بعضاً از آن‌ها خواسته که شما اگر می‌خواهید، در این کشور جایگاه خودتان را داشته باشید و حمایت‌های جمهوری اسلامی را داشته باشید، باید از این منطق مردمی و انتخابات بهره‌مند باشید.

لذا این نگاه، نگاه مردم‌سالاری دینی فراتر از انتخابات، به‌عنوان یکی از ارکان گفتمانی حضرت امام رحمه‌الله، به‌عنوان یکی از ارکان گفتمانی مقام معظم رهبری، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های نرم جمهوری اسلامی چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور، مطرح و معرفی شده؛ اگرچه این رویکردی که عرض می‌کنم، بین مقام ثبوت و مقام اثبات و تبیین آن خیلی فاصله دارد و حتماً باید در تبیین این نکته، اقدامات جدی‌تری انجام شود.

▪ وظیفه حوزه در گفتمان‌سازی انتخاباتِ مورد قبولِ همه آزادی‌خواهان و همه عقلا چیست؟ و حوزه برای ترویج و تبیین این انتخابات و برای دعوت مردم به مشارکت حداکثری چه وظیفه‌ای دارد؟ با توجه به آن نکته‌ای که حضرت امام رحمه‌الله در ایام انتخابات دستور دادند که حوزه‌های علمیه به روستاها بروند و تبلیغ کنند و طلبه‌ها را بفرستند به جاهای مختلف، نقش حوزه و نقش رسانهٔ حوزه در تبیین انتخابات و در مشارکت حداکثری مردم در انتخابات چیست؟

• انتخابات از این منظر که یکی از مصادیق و یکی از شعارهای اصلی انقلاب است که همان شعارِ مردم‌سالاری دینی و مردمی بودن انقلاب است، این بُعد از آن، نیازمند نظریه‌پردازی و تولید فکر و تولید محتواست. ما هنوز در مبانی مردم‌سالاری دینی نیازمند تحقیقات علمی گسترده‌تری هستیم؛ چه در فقه انتخابات، چه در مبانی فلسفی و کلامی مردم‌سالاری دینی، چه در مبانی اخلاقی و رویکردهای اخلاقی مردم‌سالاری دینی و چه در پیوند مقوله مردم‌سالاری دینی، با شاخه‌های مختلف علوم انسانی اجتماعی، ما نیازمند تحقیقات جدی و گسترده هستیم.

این یکی از وظایف حوزه‌های علمیه است که از نظر مبانی دینی، ما تولید نظریه و اندیشه و فکر داشته باشیم. بُعد دیگری از وظایف حوزه‌های علمیه، گسترش مطالعات تطبیقی در این زمینه با کشورهای دیگر چه در کشورهای اسلامی، چه در مطالعات ادیانی و دیدن نقاط اشتراک و نقاط اختلاف این نظریات با دیگران و گفت‌وگوی علمی در این موضوع است که در این گفت‌وگوی علمی ما می‌توانیم، منطق جمهوری اسلامی را در عرصه‌های فکری و معرفتی، با دیگران تبادل کنیم و متأسفانه چون مطالعات تطبیقی ما در این زمینه، مطالعات کمی است، نتوانستیم این موضوع را با دیگران مطالعه و تطبیق کنیم.

عرصه سوم عرصه گفتمان‌سازی است. نخبگان کشور ما، چه نخبگان علمی و چه نخبگان اجتماعی و نخبگان فرهنگی و رسانه‌ای، هنوز در عرصه‌های مربوط به انتخابات، از یک گفتمان علمی مشترک، یک گفتمان اخلاقی مشترک بهره‌مند نیستند؛ چون گفت‌وگوهای دانشگاهی حوزوی و فعالان حوزوی و یا فعالان اجتماعی، باید گفت‌وگوهای جدی‌تری شکل بگیرد و ما به یک گفتمان مشترک مورد قبول در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی برسیم و حتماً حوزه‌های علمیه در این زمینه می‌توانند، یک نقش محوری داشته باشند. برای گفتمان‌سازی به‌عنوان یک جامعه تأثیرگذار در نخبگان کشور.

عرصه بعدی، عرصه فرهنگ‌سازی است. ما غیر از اینکه در میان نخبگان باید یک وحدت رویه‌ای ایجاد کنیم، در کل جامعه، ما نیازمند یک سری شاخص‌ها و معیارهای ناظر به انتخابات هستیم. برخی از رفتارهای انتخاباتی را همه مردم باید بد بدانند و آن را محکوم کنند؛ به‌طوری‌که آن کاندیدهای انتخاباتی، به خودشان جرأت ندهند تا وارد یک سری از بی‌اخلاقی‌ها و بی‌ضابطه‌ای‌ها و سوءاستفاده‌های ناشایست، سوءاستفاده از مناصب و وارد شدن به یک سری از تشریفات و مخارج‌های سنگین انتخاباتی شوند. متأسفانه بعضاً ما شاهد یک سری آسیب‌های اقتصادی و چالش‌های فرهنگی در ایام انتخابات هستیم که بخشی از آن، باید فرهنگ‌سازی شود و جامعه باید مطالباتی داشته باشد و در این زمینه، ما نیازمند تعامل با بدنه مردم و استفاده از ظرفیت‌ها به‌ویژه رسانه هستیم که در این زمینه، حوزه‌های علمیه می‌توانند نقش‌آفرین باشند و بُعد مردمی و دینی آن را از جهت فرهنگی تقویت کنند.